

شیوه‌های به کارگیری آیات در روایات مهدوی*

زهرا زمزم^۱

عبدالمجید طالب‌تاش^۲

محمدحسین توانایی سره دینی^۳

چکیده

یکی مباحث تفسیری شیعه و اهل سنت، پرداختن به مسئله مهدویت در تفسیر آیات قرآن است. به دلیل اهمیت روایات تفسیری در این مسئله، مقاله حاضر به روش توصیفی تحلیلی اقدام به پژوهش پیرامون شیوه‌های مختلف تبیین مسئله مهدویت در روایات تفسیری پرداخته است. پژوهش به دست داد که در مجموع روایات تفسیری از یازده شیوه برای طرح مسئله استفاده کرده است. بیان مصداق و تطبیق؛ اشاره به مصداق مغفول؛ استفاده از بیان‌های قرآنی؛ استناد به آیه؛ استفاده‌های ضمنی و در ادامه آیه؛ استفاده از الفاظ قرآن؛ ارتباط به اندک مناسبت؛ توضیح مفهوم دقیق آیه در قالب مهدویت؛ استفاده از ظرفیت تشابهی قیام و قیامت؛ استفاده از خواص سوره؛ و اشاره به فراتاریخی بودن مهدویت شیوه‌هایی بود که برای بیان مسئله مهدویت در روایات تفسیری یافت شد.

واژگان کلیدی

مهدویت، روایات مهدوی، روایات تفسیری، تفاسیر شیعه و اهل سنت.

مقدمه

روایات تفسیری، بخش قابل توجهی از روایات اهل بیت را به خود اختصاص داده است. اهل بیت تلاش داشتند استفاده از آیات قرآنی را در قالب‌های گوناگون در کلمات خود، بالا برده و رواج دهند. این مسئله با مراجعه به مجموعه‌های حدیثی گردآوری شده به وسیله عالمان شیعه، کاملاً روشن و گویا است. این اهتمام و شیوع نگاه قرآنی در کلمات اهل بیت و به ویژه درباره مهدویت، علت‌های مختلفی دارد:

نخست آن که، استفاده از این فضا به ویژه در مباحث کلامی و اعتقادی - همچون مهدویت

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۷

۱. دانشجوی دکتری گرایش علوم و قرآن و حدیث (z_zamzam1@yahoo.com).

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث موسسه آموزش عالی فاطمیه شیراز (نویسنده مسئول) (talebtash@yahoo.com).

۳. استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی کرج (Dr.tavanaieesareh@yahoo.com).

نشان دهنده میزان التزام اهل بیت برای بیان معارفی مطابق قرآن و وحی الهی و فاصله گرفتن آنها از فهم و فقه شخصی و قیاس‌ها و استحسان‌ها است. آفتی که عموم بزرگان فقهی اهل تسنن را گرفتار کرده بود و نابودی هرچه بیشتر معارف اصیل دینی را باعث شده بود. بلکه این بیان‌ها ریشه در فهمی عمیق از «بطن» قرآن دارد که لااقل در پاره‌ای موارد می‌توان به جلوه‌هایی از آن پی برد.^۱

دوم آن که اهل بیت با استفاده از ادبیات جدید تفسیری که با گوشه‌ای از آن در ادامه آشنا خواهیم شد، تلاش در گشودن افقی جدید در برداشت از آیات قرآن و کشف روش تفسیری جدید داشتند. البته روشن است که این روش با توجه به برخورداری اهل بیت از ویژگی عصمت، تنها به وسیله آنها درست از آب در می‌آید وگرنه فراوانند کسانی که ادعای تفسیر شهودی و امثال آن دارند!^۲ و این مسئله‌ای است که با مراجعه‌ای هرچند کوتاه به منابع تفسیر حدیثی شیعه و اهل تسنن و بررسی تطبیقی آنها کاملاً آشکار و روشن است و به وضوح می‌توان تفاوت برخورداری از امتیاز امام معصوم با دنباله‌روی از دیگران را احساس نمود.

از نکات قابل توجه دیگر، این که اهل بیت چنان با قرآن مأنوس و آشنا هستند و آن قدر با تلاوت قرآن، خو گرفته و انس دارند که در سخنان و سخنرانی‌های خود، از انواع استفاده‌ها و شیوه‌های به کارگیری قرآنی، بهره برده‌اند و از توانایی کامل برای بهره بردن از این دست استفاده‌ها برخوردارند.

آنچه گفته شد، ضرورت نگاه‌های مختلف به روایات تفسیری و اهتمام ویژه به آنها را روشن می‌سازد؛ به ویژه که در نگاه ابتدایی، تناسب خاصی میان این مجموعه حدیثی و محتوای آیات قرآنی مورد توجه آنها به چشم نمی‌خورد و همین نکته باعث شده تا متأسفانه عموم این روایات، یا به حاشیه رانده شوند یا با انگ «تأویلی» بودن، روبرو شده و خاصیت اصلی و هدفی که اهل بیت در پس این روایات، به دنبال نهادینه کردن آن مغفول مانده و مورد بی‌مهری قرار گیرد و این معضلی است که در عموم تفاسیر غیر روایی به چشم می‌خورد. در این مقاله به دنبال آن هستیم تا با دسته‌بندی بیانی و شیوه ارائه مباحث مهدوی در این روایات، به یکی از

۱. از آن جا که پرداختن به این موضوع، خارج از موضوع مقاله است، برای اطلاعات بیشتر ر.ک: التفسیرالائری الجامع، ج ۱، ۳۳ به بعد [به ویژه ۴۸ به بعد] و... .

۲. یکی از انواع تفسیر، تفسیر عرفانی است که بیشتر ریشه در برداشت‌های ذوقی عرفانی نویسنده دارد و عموماً فارغ از پشتوانه محکم روایی یا علمی است. بنابراین قابلیت اثبات ندارند و به همین خاطر از انواع پرخطر تفسیر به شمار می‌آید. از معروف‌ترین این نوع تفسیرها می‌توان به تفسیر ابن عربی و سیدحیدر آملی اشاره داشت.

زاویه‌های بررسی روایات تفسیری اشاره‌ای گذرا داشته باشیم. باشد که بهانه‌ای برای ورود به نهضتی جدی‌تر و فراگیرتر درباره روایات تفسیری به ویژه در مباحث مهدوی گردد و به این وسیله، روایات تفسیری، از مهجوریت و برخوردهای سرد و حاشیه‌ای و غیرقابل ترویج بودن، خارج گردند.

لازم به یادآوری است که در این مقاله و پژوهش، آیات مربوط به رجعت وارد نشده است؛ چراکه هرچند رجعت از حوادث پس از قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است ولی از آن جا که فضا و دنیایی مخصوص به خود را دارد میان آن و مباحث مهدوی، تفکیک گردید. بنابراین به آیات مربوط به رجعت به جز در مواردی نادر، اشاره نرفته است.

بیان مصداق و تطبیق آشکار

در تعدادی از روایات مهدوی، تطبیق‌هایی آشکار و روشن نسبت به ارتباط آیه با مهدویت به کار رفته است. از این میان می‌توان به مورد ذیل اشاره داشت. در روایتی از امام رضا علیه السلام چنین آمده است:

آنچه منتظر آن هستید اتفاق نخواهد افتاد مگر زمانی که جداسازی و آزموده شوید و جز تعدادی اندک از شما باقی نماند. حضرت سپس این آیه را تلاوت فرمود: «أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمنا وهم لا يفتنون»^۱ (مفید، ۱۴۱۴ق: ۳۶۰؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۴۸؛ اربلی، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ۲۵۱؛ نیلی نجفی، ۱۳۷۸ش: ۳۸).

در این روایت، امام رضا علیه السلام با اشاره به آزمون سنگین پیش از ظهور، به دنبال آن است تا مصداقی بارز و بارزترین مصداق را برای آیه بیان کند و جامعه ایمانی را به یاد سختی‌های طاقت‌فرسای پیش‌رو بیندازد. بنابراین، این نوع استفاده از آیه، تفسیری تطبیقی و بیان مصداق مغفول مانده از آن به شمار می‌آید. به دیگر بیان، با توجه به مصداق یاد شده و دقت در آن، عمق معنا و محتوای آیه، جامع‌تر و بهتر فهمیده می‌شود و فضایی بازتر و نگاهی دقیق‌تر فراروی فهم آیه ایجاد می‌گردد.

اشاره به مصداق مغفول

در برخی از روایات مهدوی اشاره به مصداقی از آیه درباره مهدویت به چشم می‌خورد که هرچند از مصداق طبیعی آیه هستند ولی تطبیق‌هایی مغفول و فراموش شده به شمار می‌آیند

۱. «مردم گمان کرده‌اند همین که بگویند ایمان آوردیم رها می‌شوند و [به وسیله جان، مال، اولاد، و حوادث] مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟» (عنکبوت: ۲). دقت: در ترجمه آیات، از ترجمه استاد شیخ حسین انصاریان استفاده شده است.

که امام در بیان خود، آنها را زنده نموده و به ذهن مخاطب برگردانده است. در ادامه، به ذکر یک نمونه از این موارد بسنده می‌شود:

وقتی راوی، در حضور امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، عباسیان را این‌گونه نفرین کرد که: کاخ‌های تان ویران باد. حضرت او را راهنمایی فرمود: این‌گونه نگو؛ چرا که این کاخ‌ها روزی محل سکونت امام زمان و یارانش خواهند بود. حضرت در ادامه، این آیه را تلاوت فرمود: «و سکنتم فی مساکن الذین ظلموا أنفسهم و تبین لکم کیف فعلنا بهم و ضربنا لکم الأمثال»^۱ (عیاشی، بی‌تا: ج ۲، ۲۳۵، ح ۴۹؛ بحرانی، بی‌تا: ج ۳، ۳۲۱؛ عروسی حویزی، بی‌تا: ج ۲، ۵۵۳).

استفاده از بیان‌های قرآنی

پیوند میان مباحث مهدوی و آیات قرآن، آن قدر اهمیت و عظمت دارد که در تعدادی از روایات مهدوی، به کار رفتن عبارت‌های قرآنی برای بیان حقائق مرتبط با آن مشاهده می‌گردد. در ادامه، به دو نمونه از این دست موارد اشاره می‌شود:

در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام و برای توضیح این که یاران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، چگونه از فرارسیدن زمان ظهور و قیام امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام آگاه می‌شوند به این نکته اشاره شده که هریک از آنها در کنار سر خود، کاغذی خواهد یافت که بر آن، این عبارت دو کلمه‌ای نوشته شده است: «طاعة معروفة»^۲ (صدوق، ۱۳۶۳: ۶۵۴، باب ۵۷، ح ۲۲).

با توجه به این روایت می‌توان گفت یاری امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، مسئله‌ای شناخته شده است و با شعار و کارهای نمایشی ثابت نمی‌شود؛ بلکه یاران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام کسانی هستند که در طول زندگی، به اطاعت و پیروی از خواسته‌های آن حضرت شناخته می‌شوند.

غیبت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، معلول علت‌ها و زمینه‌های فراوانی است که در روایات مهدوی می‌توان آنها را رصد نمود. شاید مهم‌ترین دلیل مورد اشاره در این مجموعه روایات، ترس از

۱. «و در مساکن کسانی که به خود ستم کردند ساکن شدید، در صورتی که برای شما روشن است که با آنان [به وسیله ستم‌هایشان] چه کردیم و برای شما مثال‌های پندآموزی از جامعه‌هایی که به وسیله عذاب، نابود شدند [ذکر کردیم]» (ابراهیم: ۴۵).

۲. این دو کلمه، بخشی از آیه ۵۳ از سوره نور هستند: «و أقسموا بالله جهد أيمانهم لئن أمرتهم ليخرجن قل لا تقسموا طاعة معروفة إن الله خبير بما تعملون» [با سخت‌ترین سوگندهای شان به خدا سوگند خوردند که اگر به آنان [برای بیرون رفتن به سوی جهاد] فرمان دهی حتماً بیرون می‌روند. بگو سوگند نخورید؛ [آن چه بر شما واجب است] اطاعت پسندیده است [نه سوگند]؛ به یقین، خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است].

جان است و این که خداوند به خاطر حفظ جان آخرین ولی خود و تأمین امنیت جانی آن حضرت، ایشان را در پرده غیبت قرار داده است. در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام به این حقیقت، با بیانی قرآنی اشاره شده است و آن این که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام در دوران غیبت خود به این آیه استدلال می‌نماید: «ففررت منكم لَمَّا خفتكم فوهب لي ربِّي حكماً وجعلني من المرسلين»^۱ (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۱۷۹؛ عروسی حویزی، بی تا: ج ۴، ۴۹؛ بحرانی، بی تا: ج ۳، ۱۸۳). پس از این نیز روایتی شامل استناد امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام به این آیه، در سخنرانی خود در کنار کعبه ذکر خواهد شد. آن روایت نیز شاهدهی گویا بر استدلال قرآنی امام زمان برای توجیه غیبت طولانی خود است.

استناد به آیه

در تعدادی از روایات مهدویت، به جای ارتباط مفهومی میان محتوا و مباحث مهدویت، خود آیه از زبان افراد مرتبط با قیام امام به کار رفته است. این ارتباط در هر دو سوی جبهه حق و باطل، مشاهده می‌شود. این ماجرا - در کنار تمامی مطالب دیگر - به یک نکته عمیق کلامی و تاریخی نیز اشاره دارد و آن این که در طول تاریخ، هر فرقه و مکتبی تلاش داشته و دارد تا خود را به گونه‌ای با قرآن پیوند دهد و از آن برای خود، پشتوانه و تکیه گاهی فراهم آورد. در ادامه نمونه‌هایی از موارد استناد از هر دو سوی جبهه حق و باطل ذکر می‌شود:

الف) از سوی جبهه حق

به زبان امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام به آیه «اَفْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ»^۲ در ملاقات خود با علی بن ابراهیم بن مهزیار استناد فرمود؛ آن جا که علی از آن حضرت درباره زمان ظهور جویا شده بود (صدوق، ۱۳۶۳ش: ۴۶۹، باب ۴۳ ذیل ج ۲۳؛ عروسی حویزی، بی تا: ج ۲، ۲۹۹؛ قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۳۴۰؛ فیض کاشانی، بی تا: ج ۵، ۹۹؛ عروسی حویزی، بی تا: ج ۵، ۱۷۵).

بنابراین حضرت با این استفاده قرآنی به این نکته اشاره دارد که، زمان ظهور، نزدیک است و نباید هیچ‌گاه آن را دور و دراز پنداشت. طبیعی است که این باور، خیزش و جنبش عمومی را در جامعه ایمانی در پی خواهد داشت و روحیه امید و زمینه‌سازی را در آنان خواهد پروراند.

۱. «چون از شما ترسیدم از دست‌تان گریختم. پس [با این گریز از عرصه زندگی ظالمانه شما این شایستگی را یافتم که] پروردگارم به من حکمت بشییده و مرا از پیامبران قرار داد» (شعراء: ۲۱).
 ۲. «قیامت بسیار نزدیک شد و ماه از هم شکافت» (قمر: ۱).

براساس روایتی از امام صادق علیه السلام، امام زمان عجل الله تعالی فرجه پس از قیام [و گویا برای توجیه و توضیح غیبت طولانی خویش] این آیه را تلاوت می فرماید:

﴿فَفَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خَفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۱۸۰؛ صدوق، ۱۳۶۳ش: ۳۲۸، باب ۳۲، ح ۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۸۵) [از کتاب الغیبة سیدعلی بن عبدالحمید]؛ عروسی حویزی، بی تا: ج ۴، ۴۹؛ نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۱۷۹-۱۸۰.

براساس روایتی از امام باقر علیه السلام، امام زمان عجل الله تعالی فرجه در آغاز قیام، در کنار کعبه سخنرانی می نماید و در سخنرانی خود آیه «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱ را بر زبان جاری می سازد (صدوق، ۱۳۶۳ش: ۳۳۰، باب ۳۲، ح ۱۶؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۴۳۳؛ اربلی، ۱۰۴۵ق: ج ۳، ۳۲۴ [از اعلام الوری]).

روشن است که استفاده از این آیه، از یک سو نشان دهنده رسیدن فرج الهی است و از سوی دیگر، جامعه ایمانی را به مسئولیت بزرگ خود یادآور می شود که در برابر «بَقِيَّةُ اللَّهِ» [بازمانده الهی] قرار گرفته و هیچ گونه فرصت خطا و آزمونی برای آنها وجود ندارد.

به زبان ملائکه آسمان

در روایتی از امام صادق علیه السلام، پس از سخنرانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه در کنار کعبه و آنگاه که نوبت به بیعت یاران با آن حضرت می رسد، جبرئیل به عنوان نخستین بیعت کننده با ایشان، پس از بیعت، بانگ به این آیه بر می دارد: «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ»^۲ (عیاشی، بی تا: ج ۲، ۲۵۴، ح ۳؛ صدوق، ۱۳۶۳ش: ۶۷۱، باب ۵۸، ح ۱۸؛ طبری، ۱۴۱۳ق: ۲۵۲؛ بحرانی، بی تا: ج ۲، ۳۵۹؛ عروسی حویزی، بی تا: ج ۳، ۳۸). بنابراین جبرئیل با این اقتباس قرآنی، از فرارسیدن زمان قیام پرده بر می دارد و آن را به عالمیان اعلام می دارد.

یکی از نشانه های حتمی ظهور، ندای آسمانی است که در روایات متعددی به کیفیت، تعداد، و محتوای این نشانه آسمانی پرداخته شده است. براساس روایتی از امام رضا علیه السلام، سه ندا از آسمان شنیده می شود که محتوای نخستین آنها، این آیه قرآنی است: ﴿أُزْفَت

۱. ترجمه آن پیش از این گذشت (شعراء: ۲۱).

۲. «آنچه خدا باقی می گذارد برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید» (هود: ۸۶).

۳. «فرمان حتمی خدا فرارسیده است پس خواستار شتاب در آن نباشید؛ او منزه و برتر است از آن چه شریک او قرار می دهند» (نحل: ۱).

الْآزْفَةَ﴾ (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۱۸۶؛ صدوق، ۱۳۶۳ش: ۳۷۰، باب ۳۵، ح ۳، ۳۷۱، ح ۴؛ صدوق، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۶؛ طبری، ۱۴۱۳ق، ۲۴۵؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۳۹؛ راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۱۶۸؛ نیلی نجفی، ۱۳۷۸ش: ۳۶؛ حلی، ۱۳۷۰ق: ۳۸ و ۲۱۴؛ عروسی حویزی، بی تا: ج ۵، ۳۸۶). در این ندا نیز با اقتباس از آیه‌ای قرآنی درباره نزدیکی قیامت، به مردم زمین، خبر از نزدیکی قیام امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى داده می‌شود.

ب) از سوی جبهه باطل

همان‌گونه که اشاره شد، جبهه باطل و مقابل امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى نیز از آن جا که خود را اهل حق و پیرو و رهرو قرآن و رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌داند تلاش دارد تا استدلال‌ها و استنادهای قرآنی، جبهه حق را به چالش کشانده و به تمسخر گیرد. در روایات مهدوی به برخی از این تلاش‌ها اشاره گردیده که در ادامه به دو نمونه اشاره می‌شود:

در روایتی از سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَام، منکران ظهور امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى، در سخنان خود، این آیه را به زبان می‌آورند: ﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (صدوق، ۱۳۶۳ش: ۳۱۷، باب ۳۰، ح ۳؛ صدوق، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۶۸؛ خزاز قمی، ۱۴۰۱ق: ۲۳۱-۲۳۲؛ جوهری، بی تا: ۲۳؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۳۸۴؛ نباطی بیاضی، ۱۳۸۴ق: ج ۲، ۱۱۱؛ نیلی نجفی، ۱۳۷۸ش: ۷۸؛ عروسی حویزی، بی تا: ج ۲، ۲۱۲).

آیه ﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۳ در روایاتی از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام و امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، از آیات مورد استناد منکران رجعت به شمار آمده است (ابن طاووس، ۱۳۶۳ش: ۱۱۶؛ عیاشی، بی تا: ج ۲، ۲۵۹؛ کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۸، ۱۴).

با توجه به این که جبهه باطل، منطقاً به چنین آیاتی برای مقابله با جبهه حق استفاده نکرده و نخواهد کرد، از نوع استدلال‌های روایی یاد شده چند نکته جالب توجه به دست می‌آید: از جمله:

۱. «قیامت، نزدیک شد» (نجم: ۵۷).

۲. «و می‌گویند اگر راستگویید این وعده وقوع [رستاخیز] کی خواهد بود؟» (یونس: ۴۸؛ انبیاء: ۳۸؛ نمل: ۷۱؛ سبأ: ۲۹؛ یس: ۴۸؛ ملک: ۲۵).

۳. «با سخت‌ترین سوگندهای شان به خدا سوگند یاد کردند که خدا کسانی را که می‌میرند بر نمی‌انگیزد! آری [با قدرت بی‌نهایتش برمی‌انگیزد] این وعده حقی بر عهده اوست ولی بیشتر مردم نمی‌دانند [و به علت جهل‌شان انکار می‌کنند]» (نحل: ۳۸).

تشابه استدلال جبهه باطل چه در لباس کفر و چه در لباس نفاق و انحراف؛ و استفاده از استدلال‌هایی که ریشه در هیچ تفکر و دانشی ندارند و تنها در اوهام و استبعادهای بی منطق سیر می‌کنند.

استفاده‌های ضمنی و در ادامه آیه

در پاره‌ای موارد، مشاهده می‌شود که اهل بیت در ضمن توضیحات خود نسبت به آیات قرآنی، محتوای آنها را به مهدویت پیوند می‌دهند. نکته چنین روایاتی در این است که ظاهر آیه و حتی بیان امام در تفسیر آن، ارتباطی با مهدویت ندارد و این امام است که در ضمن تفسیر خود از آیه، اشاره‌ای ظریف به مهدویت می‌نماید. چه بسا امام با این رفتار خود، به دنبال استفاده حداکثری از قرآن و تفسیر آن در جا انداختن فرهنگ مهدوی است. در ادامه به سه مورد از این دست روایات اشاره می‌شود:

امام صادق علیه السلام ذیل آیه «فاصبر علی ما یقولون...»^۱ چنین فرمود:

«فاصبر» یا محمد من تکذیبهم ایّاک فإنی منتقم منهم برجل منک و هو قائمی الذی سلّطه علی دماء الظلمة... (استرآبادی، ۱۳۶۶ ش: ج ۲، ۵۰۳) [از تفسیر محمد بن عباس].

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، آیه، به خودی خود، ارتباطی با مهدویت ندارد ولی امام در ضمن تفسیر خود، به گونه‌ای محتوای آن را با مهدویت پیوند می‌دهد که اگر سخن امام حذف شود، چنین برداشتی از آیه صورت نخواهد پذیرفت.

از امام صادق علیه السلام در ذیل آیه «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»^۲ روایت شده:

پس از آن که این آیه بر پیامبر خدا فرود آمد، آن حضرت چنین فرمود: من مأمور به تقیه هستم. علی نیز چنین مأموریتی دارد.. امامان پس از او نیز همین‌گونه‌اند. آنها نیز چنین رفتار کردند ولی آن‌گاه که قائم ما برخیزد، تقیه ساقط و باطل خواهد شد... (استرآبادی، ۱۳۶۶ ش: ج ۲، ۵۳۹-۵۴۰).

در این آیه نیز امام ضمن تفسیر بخش علامت‌گذاری شده از آیه، آن را با مهدویت پیوند می‌دهد؛ پیوندی که وابسته به بیان امام است.

۱. «بر آن چه مشرکان می‌گویند شکبیا باش» (طه: ۱۳۰؛ ق: ۳۹).

۲. «نیکی و بدی، یکسان نیست. [بدی را] با بهترین شیوه دفع کن [با این برخورد متین و نیک] ناگاه کسی که میان تو و او دشمنی است [چنان شود] که گویی دوستی نزدیک و صمیمی است» (فصلت: ۳۴).

در روایتی توضیحی نسبت به آیه: ﴿و ثيابك فطهر﴾^۱، چنین می‌خوانیم:

«و ثيابك» ارفعها و لاتیجرها و إذا قام قائمنا كان هذا اللباس... (کلینی، ۱۳۶۳ ش: ج ۶، ۴۵۵، ح ۲ [از تفسیر محمد بن عباس]).

استخدام الفاظ قرآنی

یکی از زیباترین شیوه‌های اهل بیت در بیان حقائق و معارف ناب الهی، استخدام و به کارگرفتن الفاظی قرآنی در ضمن صحبت است. در مباحث مهدوی نیز می‌توان نمونه‌های متعددی آن را نمود. در ادامه چهار نمونه از این نوع استنادها بررسی می‌شوند:

امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از سخنرانی‌های خود، چنین فرمود:

... حتی یقوم منا القائم یقتل مبغضینا و لایقبل الجزیه و یکسر الصلیب و الاصلانم و تضع الحرب أوزارها... (صدوق، ۱۴۰۳ ق: ۵۷۲)؛
... تا آن‌گاه که قائم ما برخیزد، کینه‌توزان نسبت به ما را خواهد کشت و از آنها جزیه نخواهد ستاند و صلیب و بت را درهم خواهد شکست و جنگ، سنگینی‌های خود را فرو خواهد گذاشت [و به پایان خواهد رسید]^۲.

این سخنان حضرت اشاره به این آیه قرآنی دارد:

﴿فَإِذَا لَقِیْمُ الَّذِیْنَ كَفَرُوا فَصَرَبَ الرَّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَخْتُمُوهُمْ فَشَدُّوا الْوَتَاقَ فَمَا مَتًّا بَعْدَ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَصَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَٰلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَآتَصَّرَمِهِمْ وَلَٰكِنْ لَّيَبْلُو بَعْضَكُم بِبَعْضٍ وَالَّذِیْنَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾^۳.

از امام صادق علیه السلام روایت شده:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَغْنَى الْعِبَادُ عَنِ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَصَارَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَاحِدًا وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ...؛

آن‌گاه که قائم ما قیام کند، زمین، به نور پروردگارش روشن خواهد شد و بندگان، از نور

۱. «و جامه‌ات را پاک کن» (مدثر: ۴).

۲. همچنین رک: تفسیر القمی، ج ۲، ۳۲۰؛ الدر المنثور، ج ۶، ۴۷ [خرج عبد بن حمید و ابن حاتم و ابن مردویه عن ابی هریره].

۳. «هنگامی که [در میدان جنگ] با کافران بروبرو شدید گردن‌های‌شان را به شدت بزنید تا آن‌گاه که بسیاری از آنان را با سختی و غلظت از پای درآورید. در این هنگام [از دشمن، اسیر بگیرید و] آنان را محکم ببندید. [پس از اسیر گرفتن] یا بر آنان متت نهید [و آزادشان کنید] یا از آنان [در برابر آزادی‌شان] عوض بگیرید تا آن‌جا که جنگ، بارهای سنگینش را بر زمین نهد. این است [فرمان خدا] و اگر خدا می‌خواست [بدون فرمان جنگ] از آنان انتقام می‌گرفت [ولی به جنگ فرمان داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی دیگر بیازماید. و کسانی که در راه خدا به شهادت رسیده‌اند خدا هرگز اعمال‌شان را باطل و تباه نمی‌کند» (محمد: ۴).

خورشید، بی نیاز خواهند شد و شب و روز به یک حالت درخواهد آمد و تاریکی رخت برخواهد بست... (طبری، ۱۴۱۳ق: ۲۴۱ و ۲۶۰-۲۶۱؛ مفید، ۱۴۱۴ق ب: ۳۶۲-۳۶۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۶۷-۴۶۸؛ ابن قتال، بی تا: ج ۲، ۲۶۴؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۴۳۴؛ راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۱۷۶؛ اربلی، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ۲۵۳؛ نباتی بیاضی، ۱۳۸۴ق: ج ۲، ۲۵۱ و ۲۵۳ و ۲۶۲ [از کتاب الشفاء والجلاء]؛ فیض کاشانی، بی تا: ج ۴، ۳۳۱؛ عروسی حویزی، بی تا: ج ۴، ۳۵۶).

این روایت نیز اشاره به این آیه قرآنی دارد:

﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در توضیح شرایط سخت دوران غیبت کبری و به ویژه روزگار منتهی به ظهور، چنین می فرماید:

... إذا كان أولى الناس بهم أعداهم له واقترب الوعد الحق وعظم الإلحاد وظهر الفساد هنالك ابتلى المؤمنون... (الاحتجاج، ج ۱، ۲۵۱)؛
آن گاه که شایسته ترین مردم به آنها، دشمن ترین شان باشد و وعده حق الهی فرا برسد و کفر در بالاترین حد خود قرار گرفته و فساد، همه را جا را فرا گیرد؛ زمانی است که مؤمنان آزموده شده و به لغزشی بزرگ مبتلی خواهند شد... (عروسی حویزی، بی تا: ج ۴، ۳۴۲).

در این جملات نیز اشاره به این آیه قرآنی کاملاً آشکار است: ﴿هنالك ابتلى المؤمنون وزلزلوا زلزالاً شديداً﴾^۲.

در روایتی از امام رضا علیه السلام و در توضیح حوادث پس از شنیده شدن ندای آسمانی این گونه آمده است:

... فعند ذلك يأتي المؤمنین الفرج ويشقى الله صدورهم ويذهب غيظ قلوبهم (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۱۸۶؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۳۹؛ عروسی حویزی، بی تا: ج ۵، ۳۸۶)؛
آن زمان، گشایش برای مؤمنان فرا می رسد و خداوند، سینه های آنها را التیام خواهد داد و کینه را از دل های شان بیرون خواهد راند.

۱. «زمین به نور پروردگارش روشن می شود و کتاب [اعمال] را می نهند و پیامبران و گواهان را بیاورند و میان شان به حق داوری شود و آنان مورد ستم قرار نمی گیرند» (زمر: ۶۹).
۲. «آن جا بود که مؤمنان، مورد آزمایش قرار گرفتند و به اضطرابی سخت دچار شدند» (احزاب: ۱۱).

این جملات نیز برداشتی از این آیه قرآنی است:

﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ *
وَيُذْهِبَ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾^۱.

ارتباط به اندک مناسبت

گاهی برقراری ارتباط معنایی میان آیه با روایات تفسیری به ظاهر سخت می‌نماید، لکن اهل بیت علیهم‌السلام مضمون آیه را با مسئله مهدویت پیوند داده‌اند. همین عدم ارتباط ظاهری، برخی مفسران را وادار کرده تا به تأویل آیه روی آورده و یا این که از طرح آن خودداری کنند. اغلب این روایات به مسئله تولی و تبری پرداخته است. در اینجا برخی از این دست روایات مورد بررسی قرار می‌گیرد:

در روایتی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام و برای نشان دادن بی‌نیازی عمومی - به عنوان یکی از دستاوردهای حکومت الهی و جهانی امام زمان عجل‌الله‌فرجه‌الشریف - به این جمله قرآنی اشاره شده است:

﴿وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كَلَامَ مَنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا﴾ (حلی، ۱۳۷۰:ق: ۱۹۵).

تقیه، یکی از راهبردی‌ترین سیاست‌های اهل بیت برای حفظ پایایی و پویایی جامعه حق در میان تمامی سختی‌ها و دشمنی‌ها بوده و هست. این سیاست راهبردی، باقی خواهد ماند تا زمانی که قیام امام زمان عجل‌الله‌فرجه‌الشریف شکل گیرد. مفصل نقل کرده که از امام صادق علیه‌السلام در باره معنای «فَإِذَا جَاءَ وَعَدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءً» سؤال کردم. ایشان فرمودند:

منظور این است که در زمان ظهور، تقیه برداشته می‌شود و امام منتظر از دشمنان خدا انتقام خواهد گرفت (عیاشی، بی تا، ج ۲، ۳۵۱).

علامه مجلسی قول امام را تحلیل کرده یادآوری می‌کند که تقیه به منزله سدّی است که خداوند در اختیار مؤمنان قرار داده تا خودشان را تا زمان ظهور مهدی علیه‌السلام در برابر زیان‌رسانی مخالفان حراست نمایند و البته با ظهور مهدی موعود عجل‌الله‌فرجه‌الشریف تقیه برداشته می‌شود و ایشان بدون رعایت تقیه با مخالفان برخورد شدید خواهد کرد (مجلسی، ۱۴۰۳:ق: ۱۲، ۲۰۷).
ملاحظه می‌شود که هرچند میان آیه با مسئله مهدویت ارتباط ظاهری برقرار نیست لکن امام در

۱. «با آنان بجنگید تا خدا آنان را به دست شما عذاب کند و رسوایشان نماید و شما را بر آنان پیروزی دهد و سینه‌های [پیر سوز و غم] مردم مؤمن را شفا بخشد * و خشم دل‌های شان را از میان ببرد و خدا توبه هرکس را بخواهد می‌پذیرد و خدا دانا و حکیم است» (توبه: ۱۴-۱۵).

۲. «و اگر [زن و شوهر] راهی برای صلح و سازش نیافتند و [از یکدیگر جدا شوند، خدا هر یک را از توان‌گری خود بی‌نیاز می‌کند و خدا همواره بسیار عطاکننده و حکیم است» (نساء: ۱۳۰).

تفسیر آیه آن را با مسئله مهدویت پیوند می دهد و فضای جدیدی از معنای متن آیه را در پیش روی مخاطب می گشاید.

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ، پس از اعلان قیام خود در کنار کعبه و اتفاقاتی که به پیروزی حضرت در شبه جزیره خواهد انجامید، حرکت اصلی خود را به سمت عراق و از آن جا به سمت بیت المقدس برای پایان دادن به حکومت نحس و نجس یهود آغاز می نماید. براساس یک روایت، یاران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ در مسیر حرکت خود به سمت عراق، دچار کمبود آب و آذوقه می شوند که به برکت کرامت آن حضرت، از این تنگنا نجات می یابند. امام در ادامه روایت، این اتفاق را با این آیه پیوند داده است: «وَأَيَّةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۸۷ [از الغيبة سیدعلی بن عبدالحمید]).

یکی از نکاتی که به عنوان دستاورد حکومت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ در روایات مهدوی مورد اشاره قرار گرفته، واقعی شدن برخی احکام الهی است که امکان عملیاتی شدن آنها تا آن زمان وجود نداشته است. یک نمونه از این احکام، ارث بردن برادران دینی از یکدیگر است. امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام در روایتی و در توضیح این اتفاق، به این دو آیه اشاره دارند:

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ^۲ * فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ»^۳ (طبری، ۱۴۱۳ق: ۲۶۰؛ بحرانی، بی تا: ج ۳، ۱۲۰).

توضیح مفهوم دقیق آیه در قالب مهدویت

در برخی روایات مهدوی، استفاده هایی از آیات قرآن صورت گرفته که دقت در آنها نگاهی زیبا و دل انگیز به محتوای آیه می بخشد. به عنوان نمونه می توان به این مورد اشاره داشت: براساس روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، آیه «يَوْمَئِذٍ يُفَرِّخُ الْمُؤْمِنُونَ * بِنَصْرِ اللَّهِ»^۴ و شادی مؤمنان در آن، به شاد شدن همه مؤمنان با شنیدن خبر قیام امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام وَرَحْمَةُ السَّرِيفِ تطبیق شده است به گونه ای که این شادمانی حتی مردگان خفته در دل خاک را نیز شامل می شود (طبری، ۱۴۱۳ق: ۲۴۸؛ بحرانی، بی تا: ج ۳، ۲۵۸). این برداشت آن گاه زیباتر می شود که در کنار روایت

۱. «این زمین مرده برای انان نشانه ای [آشکار بر این که ما مردگان را در قیامت زنده می کنیم] می باشد که آن را زنده کردیم و از آن دانه بیرون می آوریم که از آن می خورند» (بیس: ۳۳).
 ۲. «بی تردید مؤمنان [بر موانع راه سعادت] پیروز شدند» (مؤمنون: ۱).
 ۳. «چون در صور دمیده شود در آن روز نه میان شان خویشاوندی و نسبی وجود خواهد داشت و نه از اوضاع و احوال یکدیگر می پرسند» (مؤمنون: ۱۰۱).
 ۴. «آن روز مؤمنان خوشحال خواهند شد * به سبب نصرت و یاری خدا» (روم: ۴-۵).

علی بن ابراهیم درباره آیات ابتدایی سوره روم قرار گیرد (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۱۵۲-۱۵۳). در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ و در توضیح علت غیبت، ضمن اشاره به آیه «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ»^۱، به این نکته اشاره شده که پیش نیاز ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ، لزوم تکرار دوباره سنت‌های الهی انجام پذیرفته در طول تاریخ است. (صدوق، ۱۳۶۳ش: ۴۸۰، باب ۴۴، ج ۶؛ صدوق، ۱۳۸۵ق: ۲۴۵؛ فیض کاشانی، بی تا: ج ۵، ۳۰۵؛ بحرانی، بی تا: ج ۴، ۴۴۴؛ عروسی، حویزی، بی تا: ج ۵، ۵۳۹) مشاهده می‌شود که بیان امام، نگاهی زیباتر و عمیق‌تر از آن چه با مراجعه به هریک از تفاسیر شیعه و اهل تسنن به دست می‌آید را به خواننده منتقل می‌نماید که همان «تکرار پذیر و فرانسلی بودن سنت‌های الهی در راستای رسیدن به روزگار رهایی» است. زیباتر آن که، بر اساس این روایت، این سنت‌ها در طول تاریخ، از حالتی «طبقاتی» برخوردار خواهند بود و بسته به گذر زمان، پیشرفته‌تر و به‌روزتر خواهند شد.

استفاده از ظرفیت تشابهی قیام و قیامت

در روایات مهدوی فراوانی، آیات مربوط به قیامت درباره قیام امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ به کار رفته است. بر اساس این مجموعه حدیثی، قیام امام زمان، نماد این جهانی قیامت کبری و برپایی دادگاه عدل الهی است. در ادامه برخی از روایات مهدوی با این رویکرد ذکر می‌گردد:

در روایت معروف و مشهوری از پیامبر خدا «ساعت» در این آیه: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ...»^۲ بر قیام امام زمان تطبیق شده است (خزاز قمی، ۱۴۰۱ق: ۲۴۸؛ نباطی بیاضی، ۱۳۸۴ق: ج ۲، ۱۵۶).^۳

در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ، آیه «يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ»^۴ بر قیام امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ تطبیق شده است (طبری، ۱۴۱۳ق: ۲۳۸؛ طبری، ۱۴۱۰ق: ۱۹۷).

در روایتی از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ، آیه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْعَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ

۱. «که شما حالی را پس از حالی طی می‌کنید» (انشقاق: ۱۹).

۲. «همواره درباره قیامت از تو می‌پرسند که وقوع آن چه وقت است؟» (اعراف: ۱۸۷؛ نازعات: ۴۲).

۳. نیز رک: کمال‌الدین، ج ۲، ۳۷۲؛ کفایة‌الاثیر، ۲۷۱؛ اعلام‌الوری، ۳۱۷-۳۱۸؛ کشف‌الغمة، ج ۳، ۱۱۸ [از اعلام‌الوری]؛ منتخب‌الانوار المصیئة، ۳۸؛ نورالتقلین، ج ۲، ۱۰۷.

۴. «کسانی که به آن ایمان ندارند [از روی ریشخند] به آمدنش شتاب دارند و کسانی که ایمان دارند از آن بیمناکند و می‌دانند بی‌تردید قیامت حق است. آگاه باشید یقیناً کسانی که درباره قیامت همواره تردید می‌کنند در گمراهی دوری هستند» (شوری: ۱۸).

وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ^۱ درباره حرکت امام زمان از سرزمین حجاز به سوی عراق، به کار رفته و بر آن تطبیق شده است. (عیاشی، بی تا: ج ۱، ۱۰۳، ح ۳۰۱)

در روایتی از امام باقر علیه السلام و هم چنین امام صادق علیه السلام، «یوم الدین» در آیه «والذین یصدّقون بیوم الدین»^۲ و آیه ای دیگر به قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه تطبیق شده است (کلینی، ۱۳۶۳ ش: ج ۸، ۴۳۲؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ ق: ۱۹۴).

از مهم ترین آیات مهدوی در این زمینه، روایات مربوط به گردآمدن یاران ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه در زمان ظهور است:

در روایات فراوانی، آیه «وَلِكُلِّ وُجْهَةٍ هُوَ مَوْلِيهَا فَاسْتَخِيرُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۳ درباره گردآمدن یاران ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه تطبیق شده است. این روایات از امیرالمؤمنین علیه السلام (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۴۷۷؛ الاصول الستة عشر) و امام سجاد علیه السلام (نعمانی، ۱۴۲۲ ق: ۳۲۷؛ صدوق، ۱۳۶۳ ش: ۶۵۴، باب ۵۷، ح ۲۱؛ راوندی، ۱۴۰۹ ق: ج ۳، ۱۱۵۶) و امام باقر علیه السلام (عیاشی، بی تا: ج ۱، ۶۴، ح ۱۱۷ و ۲۴۴، ح ۱۴۷ و ج ۲، ۲۶۱، ح ۳۴؛ نعمانی، ۱۴۲۲ ق: ۲۸۸؛ مفید، ۱۴۱۴ الف: ۲۵۵؛ مفید، ۱۴۱۴ ق: ب: ۳۵۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۴۴۱؛ طبرسی، ۱۴۱۷ ق: ۴۲۷؛ راوندی، ۱۴۰۹ ق: ج ۳، ۱۱۵۶؛ اربلی، ۱۴۰۵ ق: ج ۳، ۲۴۹. همچنین روایتی دیگر در: عیاشی، بی تا: ج ۲، ۵۶، ح ۴۹؛ قمی، ۱۴۰۴ ق: ج ۲، ۲۰۵؛ کلینی، ۱۳۶۳ ش: ج ۸، ح ۸۷؛ نعمانی، ۱۴۲۲ ق: ۱۸۷؛ طبرسی، ۱۴۱۵ ق: ج ۵، ۱۴۴. هم چنین روایتی دیگر در: طبری، ۱۴۱۳ ق: ۳۰۷؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶ ق: ۳۷۵ به بعد، ح ۵۴۶ [از کتاب یعقوب بن نعیم قرقاره] و امام صادق علیه السلام (صدوق، ۱۳۶۳ ش: ۶۷۲، باب ۵۸، ح ۲۴؛ همچنین روایتی دیگر در: نعمانی، ۱۴۲۲ ق: ۲۴۸؛ همچنین روایتی دیگر در: عیاشی، بی تا: ج ۱، ۶۷، ح ۱۱۸؛ نعمانی، ۱۴۲۲ ق: ۳۲۶) و امام کاظم علیه السلام (عیاشی، بی تا: ج ۱، ۶۶، ح ۱۱۷؛ طبرسی، ۱۴۱۵ ق: ج ۱، ۲۳۱) براساس این مجموعه حدیثی، نگاهی دل انگیزتر به آیه پدید می آید که خلاصه آن از این قرار است: با توجه به این که هر انسانی مسیری در زندگی دارد، انسان ها مأمور به انجام وظیفه خود در این مسیر هستند و رسیدن به بهترین نتیجه، به

۱. «آیا جز این را انتظار دارند که [عذاب] خدا و فرشتگان [مأمور عذاب] در سایبان هایی از ابر به سوی آنان آیند و کار نابودی آنان تمام شود؟ و همه کارها به سوی خدا بازگردانده شود» (بقره: ۲۱۰).

۲. «و آنان که همواره روز پاداش را باور دارند» (معارج: ۲۶).

۳. «برای هر گروهی قبله ای است که خدا گرداننده روی آن گروه به آن قبله است؛ پس به جانب کارهای خیر، پیشی جویند. خدا همه شما را هرجا که باشید [به صحرای محشر] می آورد مسلماً خدا بر هر کاری تواناست» (بقره: ۱۴۸).

عهده خداوند متعال است که یکی از بهترین این نتیجه‌ها انتخاب برای حضور ویژه در قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

در همین راستا، برخی از آیات مربوط به عذاب الهی در این دنیا نیز بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام ایشان تطبیق شده است؛ به عنوان نمونه:

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در ملاقات خود با علی بن ابراهیم بن مهزیار، جمله: «أناها أمرنا ليلاً أو نهاراً» در آیه «ثُمَّ مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْن بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۱ را بر قیام خود تطبیق فرمود (صدوق، ۱۳۶۳ ش: ۴۶۹، باب ۴۳ ذیل ح ۲۳؛ عروسی حویزی، بی تا: ج ۲، ۲۹۹).

در روایتی از امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همان عذاب مورد اشاره در این آیه است: «سأل سائل بعذاب واقع»^۲ (قمی، ۱۴۰۴ ق: ج ۲، ۳۸۵).

در روایتی از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف، «یقین» در آیه: «حتى أتانا اليقين»^۳ به امام زمان تفسیر شده است (فراش کوفی، ۱۴۱۰ ق: ۱۹۴).

اشاره به مفاهیم علمی و کلیدی

در برخی از روایات مهدوی به گونه‌ای از ارتباط آیات قرآن با مهدویت سخن به میان آمده که بیان کننده مفاهیم علمی و کلیدی و همیشه به روز در این بحث است. البته هرچند این بیان، به صورت صریح و آشکار نیست؛ بلکه از لوازم دلالت روایت به شمار می‌آید ولی به گونه‌ای است که خواننده یقین پیدا می‌کند که این دلالت، مورد توجه و نظر امام نیز بوده است. یکی از این مفاهیم، مسئله فراتاریخی بودن این عقیده و نقطه اشتراکی تمامی امت‌های گذشته بودن آن است که در برخی از روایات تفسیری، به صورت ضمنی به آن اشاره شده است.

۱. «در حقیقت، داستان زندگی دنیا [در زودگذر بودن] مانند آبی است که از آسمان نازل کردیم پس گیاهان و رویدنی‌های زمین از آنچه مردم و چهارپایان از آن می‌خورند با آن آب در آمیخت [و رشد یافت] تا آن‌گاه که زمین [سرسبزی و نهایت زیبایی و] زینتش را بر خود می‌گیرد و اهل آن گمان می‌کنند که قدرت [هر نوع بهره‌برداری را] از آن [چهره زیبا و آراسته] دارند [که ناگهان] فرمان ما در شبی یا روزی به زمین می‌رسد پس همه گیاهان را به صوت گیاهان را به صوت گیاهان خشک در آوریم که گویی دیروز وجود نداشته این‌گونه نشانه‌ها را برای گروهی که می‌اندیشند بیان می‌کنیم» (یونس: ۲۴).

۲. «درخواست کننده‌ای عذابی را که واقع شدنی است درخواست کرد» (معارج: ۱).

۳. «تا آن‌که مرگ ما فرا رسید» (مدثر: ۴۷).

نمونه‌ای از این روایات پیش از این و در عنوان نهم ذکر شد و اینک نمونه‌ای دیگر: براساس روایتی از امام صادق علیه السلام در ذیل آیه: «قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ ذُكُنٍ شَدِيدٍ»،^۱ حضرت لوط علیه السلام این جمله را از آن جا بر زبان راند که با توانمندی امام زمان علیه السلام و سرسختی یاران ایشان آشنایی داشت (صدوق، ۱۳۶۳ش: ۶۷۳، باب ۵۸، ح ۲۶. همچنین روایتی دیگر در: عیاشی، بی تا: ج ۲، ۱۵۶، ح ۵۵؛ قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۳۳۵) روشن است که ارتباط دادن این آیه با حضرت لوط علیه السلام و آرزوی ایشان، گویای فراتاریخی بودن این حقیقت و آگاهی انبیای الهی از آن و نظر داشتن آنها به این حقیقت است. این مسئله، مجال گسترده برای پژوهش دارد که به همین اندازه اشاره، بسنده می‌شود.

استفاده از خواص سوره

ذیل سوره اسراء در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

من قرأ سورة بني اسرائيل في كل ليلة جمعة لم يت حتى يدرك القائم و يكون من اصحابه (عیاشی، بی تا: ج ۲، ۲۷۶، ح ۱؛ صدوق، ۱۳۶۴ش: ۱۳۳-۱۳۴؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۶، ۳۹۳)؛

هرکه سوره بنی اسرائیل را هر شب جمعه تلاوت کند، از دنیا نخواهد رفت مگر آن که امام زمان علیه السلام را خواهد دید و از یاران آن حضرت خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در این مقاله ادبیات به کار رفته در روایات مهدوی شامل آیات قرآن مورد بررسی قرار گرفت و براساس دسته‌بندی صورت گرفته این نتیجه به دست آمد که شیوه بیان مباحث مهدوی در روایات تفسیری، قابلیت تقسیم در یازده عنوان را دارد که عبارتند از: بیان مصداق و تطبیق آشکار؛ اشاره به مصداق مغفول؛ استفاده از بیان‌های قرآنی؛ استناد به آیه؛ استفاده‌های ضمنی و در ادامه آیه؛ استخدام الفاظ قرآنی؛ ارتباط به اندک مناسبت؛ توضیح مفهوم دقیق آیه در قالب مهدویت؛ استفاده از ظرفیت تشابهی قیام و قیامت؛ اشاره به مفاهیم علمی و کلیدی و استفاده از خواص سوره.

روشن است که این موضوع، جا برای پژوهش و بررسی‌های علمی گسترده‌تر و دقیق‌تری دارد که امید است متخصصان در این عرصه با ورود به آن، نکات علمی فراوان‌تری به دست

۱. «گفت: ای کاش برای مبارزه با شما قدرت و نیرویی داشتم یا به پناهگاهی استوار مأوی می‌گرفتم» (هود: ۸۰).

آوردند؛ گذشته از آن که اصل روایات تفسیری نیز نیازمند چنین نگاه‌های علمی و دقیقی است که متأسفانه خود را از آن، محروم ساخته‌ایم.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۶۳ش)، *سعد السعود*، قم، انتشارات شریف رضی.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶ق)، *الملاحم والفتن*، قم، مؤسسه صاحب الامر، اول.
۳. ابن فتال، محمد (بی تا)، *روضه الواعظین*، قم، انتشارات شریف رضی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (۱۳۶۳ش)، *کمال‌الدین وتمام‌النعمة*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (۱۳۶۴ش)، *ثواب الاعمال*، قم، انتشارات رضی، دوم.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (۱۳۸۵ق)، *علل الشرائع*، نجف اشرف، المكتبة الحیدریة.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (۱۴۰۳ق)، *الخصال*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (۱۴۰۴ق)، *عیون اخبار الرضا*، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
۹. اربلی، علی بن عیسی (۱۴۰۵ق)، *کشف‌الغمّة*، بیروت، دارالاضواء، دوم.
۱۰. استرآبادی، سید شرف‌الدین علی (۱۳۶۶ش)، *تأویل الآیات الظاهرة*، قم، مدرسه امام مهدی، اول.
۱۱. بحرانی، سیدهاشم (بی تا)، *البرهان*، قم، چاپخانه علمیه.
۱۲. جوهری، احمد بن عبیدالله بن عیاش (بی تا)، *مقتضب‌الانثر*، قم، مكتبة طباطبائی.
۱۳. حلی، حسن بن سلیمان (۱۳۷۰ق)، *مختصر بصائر الدرجات*، نجف اشرف، المكتبة الحیدریة، اول.
۱۴. خزاز قمی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایة‌الانثر*، قم، انتشارات بیدار.
۱۵. راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائح*، قم، مؤسسة الامام المهدی، اول.
۱۶. طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۶ق)، *الاحتجاج*، نجف اشرف، دارالنعمان.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، *مجمع‌البیان*، بیروت، مؤسسة الاعلمی، اول.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، *اعلام‌الوری*، قم، انتشارات آل‌البيت، اول.
۱۹. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۰ق)، *نوادیر المعجزات*، قم، مؤسسة الامام المهدی، اول.
۲۰. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق)، *دلائل‌الامامة*، قم، انتشارت بعثت، اول.

٢١. طوسی، محمد بن حسن (١٤١١ق)، *الغیبة*، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، اول.
٢٢. عروسی حویزی، عبدالعلی (بی تا)، *نور الثقلین*، قم، چاپخانه علمیه.
٢٣. عیاشی، محمد بن مسعود (بی تا)، *تفسیر*، تهران، مکتبه علمیه اسلامیه.
٢٤. فرات کوفی، ابوالقاسم (١٤١٥ق)، *تفسیر*، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول.
٢٥. فیض کاشانی، محمد محسن (بی تا)، *تفسیر الصافی*، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
٢٦. قمی، علی بن ابراهیم (١٤٠٤ق)، *تفسیر*، قم، دارالکتاب، سوم.
٢٧. کلینی، محمد بن یعقوب (١٣٦٣ش)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، پنجم.
٢٨. کورانی، علی (١٤١١ق)، *معجم أحادیث الإمام المهدي*، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، اول.
٢٩. مجلسی، محمد باقر (١٤٠٣ق)، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، دوم.
٣٠. معرفت، محمد هادی (١٣٨٧ش)، *التفسیر الاثری الجامع*، قم، مؤسسة التمهید، اول.
٣١. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (١٤١٤ق «الف»)، *الاختصاص*، بیروت، دارالمفید، دوم.
٣٢. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (١٤١٤ق «ب»)، *الارشاد*، بیروت، دارالمفید، دوم.
٣٣. نباتی بیاضی، علی بن یونس (١٣٨٤ق)، *الصراط المستقیم*، بی جا، المکتبه المرتضویه، اول.
٣٤. نعمانی، ابن ابی زینب (١٤٢٢ق)، *الغیبة*، قم، انتشارات انوار الهدی، اول.
٣٥. نیلی نجفی، بهاء الدین علی (١٣٧٨ش)، *منتخب الانوار المضيئة*، قم، مؤسسة الامام الهادی، اول.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی